

جنبش دهقانان ماکو در انقلاب مشروطه: علل و پیامدها

نوع مقاله: پژوهشی

جعفر آقازاده^۱

چکیده

با پیروزی انقلاب مشروطه و تأسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مشروطه‌خواهان تبلیغات وسیعی با محوریت مبارزه با استبداد و پایان دادن به مناسبات ارباب-رعیتی در میان دهقانان ماکو انجام دادند. این اقدامات مؤثر واقع شد و جنبش بزرگی علیه مالکان و خوانین در روستاهای ماکو شکل گرفت. مقاله پیش رو بر محور این دو سؤال تدوین گردیده است که علل و زمینه‌های شکل‌گیری این جنبش چه بود؟ و چه تبعات و پیامدهایی داشت؟ با استفاده از داده‌های نشریات، اسناد و مدارک آرشیوی و کتب تاریخی، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد. دستاورد این پژوهش نشان می‌دهد که مناسبات ناعادلانه ارباب-رعیتی در ماکو و تسلط خوانین بیات بر زندگی دهقانان، در کنار تبلیغات گسترده مشروطه‌خواهان در میان روستاییان، از عوامل مهم شکل‌گیری این جنبش بود. مصادرهٔ املاک خوانین، تأسیس انجمن‌های روستایی و اخراج اقبال‌السلطنه از ماکو از مهم‌ترین پیامدهای این حرکت بود. همچنین اگرچه مشروطه‌خواهان ایالت آذربایجان محرک این جنبش بودند، در ادامه کار هیچ حمایتی از دهقانان ماکو نکردند و اقبال‌السلطنه با حمایت گستردهٔ مستبدین جنبش دهقانان ماکو را به شدت سرکوب و نظام ارباب-رعیتی را با شدت بیشتر در روستاها برقرار کرد.

واژگان کلیدی: ماکو، انقلاب مشروطه، جنبش دهقانی، مناسبات ارباب-رعیتی، اقبال‌السلطنه ماکویی.

Maku Peasant Movement in the Constitutional Revolution: Causes and Consequences

Jafar Aghazadeh²

Abstract

With the success of the constitutional revolution, the constitutionalists did extensive propaganda among Maku peasantry in order to end the serfdom and counter the tyranny. These activities were effective and a significant movement was formed in the Maku rural communities against the local khans and landowners. The present article seeks to investigate causes and bases for the movement formation and its consequences, using the press, archival documents, and historical books based on a descriptive-analytical method. The result of this research shows that the unjust lord-serf relations in Maku and the dominance of the Bayat khans over the lives of the peasants, along with the widespread propaganda of the constitutionalists among the peasantry, were the main factors in the formation of this movement. The confiscation of Khans' properties, the establishment of rural associations, and the expulsion of Iqbal al-Saltaneh from Maku were among the most important consequences of this movement. In addition, although the constitutionalists of Azerbaijan were the instigators of this movement, they did not provide any support for Mako peasants afterward. Consequently, Iqbal al-Saltaneh was able to suppress the Mako peasant movement severely and reestablish serfdom with extensive support from the conservatives.

Keywords: Maku, Constitutional Revolution, Peasant Revolt, Serfdom, Iqbal al-Saltaneh Makui.

۱. گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۶/۱۸ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۷/۲۶
2. Department of History, Faculty of Social science, University of Mohaghegh Ardabili. Ardabil. Iran,
Email: j.agazadeh@gmail.com

مقدمه

خاندان بیات حکومت منطقهٔ ماکو را از دورهٔ شاه عباس اول تا عصر قاجار به صورت موروثی در دست داشتند.^۱ با انعقاد عهدنامهٔ ترکمانچای میان ایران و روسیه، ماکو به‌عنوان مرز میان ایران با روسیه و عثمانی اهمیتی مضاعف یافت و خوانین بیات از این امر برای توسعهٔ قدرت و ثروت خود بهره بردند. آنان پیوندهای نزدیکی با دربار قاجار برقرار کردند و با کسب اختیارات گسترده به حکمرانی در این منطقه ادامه دادند.^۲ منافع آنها، همسو با منافع دیگر کانون‌های قدرت در کشور، در جهت حفظ ساختارهای سنتی حکومت ایران و جلوگیری از هر گونه حرکت اصلاحی و نوگرایانه بود که امتیازات موروثی آنها را به خطر می‌انداخت. در نتیجه با وقوع انقلاب مشروطه، هماهنگ با دربار مستبد محمدعلی شاه، به مخالفت با آن برخاستند. در تقابل با مستبدین، مشروطه‌خواهان آذربایجان به‌منظور ایجاد پایگاهی توده‌ای برای مشروطه شروع به تبلیغات وسیع در میان دهقانان ماکو کردند و با شعار مشروطیت و آزادی آنها را علیه مناسبات ارباب-رعیتی شوراندند. زارعان ماکو که نارضایتی شدیدی از مناسبات ناعادلانهٔ مالکان و زارعان داشتند، از این فرصت برای رها کردن خود از تسلط زمینداران بهره بردند و این مسئله زمینه‌ساز برپایی حرکت بزرگی در روستاهای منطقهٔ ماکو شد. جنبش دهقانان ماکو در دورهٔ مجلس اول یکی از تحریکات روستاییان ایران برای مبارزه با بی‌عدالتی و استبداد بود. این جنبش در اواخر سال ۱۲۸۵ش با اخراج زمینداران از روستاها آغاز شد و با تبعید اقبال السلطنه، حکمران ماکو، به اوج خود رسید. در این پژوهش درصددیم با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر تحلیل محتوای نشریات و منابع عصر مشروطه، این واقعه را از دو زاویهٔ علل و پیامدها بررسی کنیم.

به‌رغم نقش پراهمیت جنبش دهقانان ماکو در شناخت ابعاد روستایی انقلاب مشروطیت ایران، تاکنون پژوهشی در این باره انجام نشده است. اما در برخی از مطالعات نگاهی جزئی و گذرا به این موضوع شده است. آقازاده در مقالهٔ «تحلیل روابط اقبال السلطنه، حکمران منطقهٔ ماکو، با مشروطه‌خواهان و محمدعلی شاه در دورهٔ مجلس اول» (۱۳۹۳) تحولات منطقهٔ ماکو را در دورهٔ مشروطیت بررسی کرده، گرچه به نقش و عملکرد روستاییان به صورت خیلی مختصر اشاره کرده است. موسوی ماکویی در کتاب تاریخ ماکو (۱۳۷۶) نگاهی گذرا به جنبش دهقانان ماکو در مشروطیت دارد. این نویسنده مورخ نیست و نگاهی توصیفی به منابع و اسناد تاریخی دارد. نوشته‌های او دربارهٔ حوادث مشروطه در ماکو نقل قولی پراکنده از برخی منابع دست اول است. ریاحی نیز در کتاب تاریخ خوی (۱۳۷۸)، در بررسی تحولات خوی در

۱. اسکندریگ ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۲ (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷)، ص ۷۴۲.

۲. محمدحسن اعتمادالسلطنه، صدر التواریخ، به کوشش محمد مشیری (تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۵۷)، ص ۱۲۸؛ جورج ناتانیل کرزن، ایران و قضیهٔ ایران، ترجمهٔ غلامعلی وحیدمازندرانی، ج ۱ (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۶۷۶.

انقلاب مشروطه، به مطالعه روابط مشروطه‌خواهان خوی با خوانین ماکو پرداخته است. او جنبش دهقانان منطقه را تحت تأثیر تبلیغات سوسیال دموکرات‌های قفقازی می‌داند.

عوامل بروز جنبش

زمینداری و مناسبات ارباب-رعیتی در ماکو

اقبال السلطنه ماکویی وارث نفوذ و ثروت خاندان خود در ماکو بود. منابع این دوره قدرت وی را همسنگ پادشاهان قاجار و او را مالک جان و مال مردمان این ناحیه دانسته‌اند. می‌گویند او در این منطقه برای خود دستگاه پادشاهی داشت.^۱ و تسلط او در ماکو به حدی بود که هیچ یک از اهالی برای خود صاحب‌اختیاری جز او نمی‌شناختند.^۲ اقبال السلطنه، با تکیه بر قدرت استبدادی، صدای مخالفانش را خفه می‌کرد. اکراد بازوی نظامی وی بودند و نه تنها زارعین و رعایا، بلکه گاه محترمین و کسبه مخالف به فرمان او تنبیه و اخراج می‌شدند.^۳ آنها در ازای انجام دادن خدمات نظامی، سالانه حدود ۱۲۰۰ خروار گندم و ۱۰ هزار تومان عیدی دریافت می‌کردند.^۴

اقبال السلطنه و بنی‌امامش که به خان‌های ماکو معروف بودند، از بزرگ‌ترین زمینداران کشور بودند. در آستانه انقلاب مشروطه، املاک تمام منطقه ماکو، عربلر (پلدشت) و چایپاره (قره‌ضیاء‌الدین) به آنها تعلق داشت.^۵ آنها در چالدران، خوی و ایروان هم ملک داشتند.^۶ در شهر ماکو تسلط خوانین به گونه‌ای بود که دیگر طبقات جامعه هیچ زمینی نداشتند.^۷ آنها در مجموع ۲۸۰ پارچه ده آباد داشتند که در این میان بیشترین املاک متعلق به شخص اقبال السلطنه بود.^۸ مالکیت این زمین‌ها مورد منازعه حکومت مرکزی و خوانین بود؛ حکومت مرکزی معتقد بود بخش بزرگی از این زمین‌ها خالصه هستند و خوانین به صورت غیرقانونی آنها را تصاحب کرده‌اند، اما خوانین بر موروثی و ملکی بودن آنها تأکید داشتند.^۹ بررسی بیشتر نشان می‌دهد خوانین با روش‌های زیر این زمین‌ها را مالک شده بودند:

۱. تیول، که در عمل قسمت عمده املاک خود را بدین صورت به دست آورده بودند^{۱۰}

۱. حبل‌المتین، س ۱، ش ۱۴۶ (۱۲ رمضان ۱۳۲۵)، ص ۲؛ قهرمان‌میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۵ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ص ۳۲۸۵؛ مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳ (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۳)، ص ۸۱.
۲. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳ (تهران: زوار، ۱۳۹۸)، ص ۵۷۸.
۳. مرکز اسناد وزارت خارجه، س ۱۳۲۸ ق، کارتن ۲۱، پرونده ۲۵، سند ۵.
۴. غلامعلی خان عزیزالسلطان، روزنامه خاطرات عزیزالسلطان: ملیجک ثانی، به کوشش محسن میرزایی، ج ۴ (تهران: انتشارات زریبا، ۱۳۷۶)، ص ۳۲۸۲.
۵. محمد رحیم نصرت ماکویی، تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو (قم: چاپخانه علمی، ۱۳۷۳)، ص ۳۶.
۶. حسینقلی افتخاری بیات، تاریخ ماکو، به کوشش حسین احمدی (تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۸۱)، ص ۳۲۸۱.
۷. عزیزالسلطان، ج ۳، ص ۳۲۵۶.
۸. همان، ج ۴، ص ۳۲۸۱؛ افتخاری بیات، ص ۶۵.
۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ردیف ۲۹۶۰۰۰۰۹۲، محل در آرشيو ۱۹۲ الف ز، برگ ۳.
۱۰. حبل‌المتین، س ۱، ش ۶۳ (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

۲. خرید زمین
۳. فراری دادن مالکان قدیم^۱
۴. تصاحب املاک خالصه^۲
۵. خرید زمین‌های خالصه^۳
۶. غصب املاک زمینداران کوچک^۴.

عایدی خوانین ماکو از زمینداری فراوان بود. گندم این املاک در سال بالغ بر ۷ تا ۸ هزار خروار می‌شد.^۵ مالکیت زمین و دیگر فعالیت‌های اقتصادی، اقبال‌السلطنه را به یکی از ثروتمندترین خان‌های ایران تبدیل کرده بود.^۶ درآمد او از املاکش در سال ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش بالغ بر چهارصد هزار تومان بود،^۷ گرچه به‌رغم این درآمد هنگفت، او معمولاً مالیاتی به حکومت مرکزی پرداخت نمی‌کرد.^۸

تسلط کامل سیاسی-نظامی و اقتصادی خوانین بیات و عدم نظارت حکومت مرکزی باعث پیدایش روابط ارباب-رعیتی ناعادلانه و خشن در منطقه ماکو شده بود. بهره‌مالکانه‌ای که خوانین از دهقانان می‌گرفتند، براساس مزارعه بود. همچنین آنها انواع و اقسام مالیات‌ها را از زارعان ماکو می‌گرفتند: «مالیاتی که از نه خروار سه خروار می‌گیرند و سایر چیزها از قبیل سرشماری و قند و اعیاد و بره و جوجه و غیره.»^۹ علاوه بر این، خوانین روش‌های مختلفی برای بهره‌کشی از رعایا داشتند، از جمله حمل و نقل جیره و وظیفه‌خواران، حمل غله خوانین به کنار رود ارس برای فروش، رسومات میرزا به صورت نقدی و جنسی، فعلگی بدون اجرت، حق سواره، جو به هر قریه که پنج و قر^{۱۰} بود، گاه از هر قریه پنجاه تا شصت بار، گرفتن جریمه از عموم رعایا، گرفتن سوار از رعیت برای عزیمت خان به شهرهای دیگر و حمل هیزم و لوازم خانه ارباب از شهر به بیلاق و بالعکس.^{۱۱}

اختلافات خوانین با یکدیگر باعث فشار مضاعف به رعایا می‌شد. آنها اغلب بر سر حکومتداری و مسائل ملکی با یکدیگر رقابت داشتند. این منازعات گاه به خونریزی و قتل برخی از خان‌زادگان منجر

۱. نصرت ماکویی، ص ۲۴.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ردیف ۲۴۸۴-۲۹۳۰۰، محل در آرشیو ۴۳۰ظ ب آ ۱: ۹-۳؛ افتخاری بیات، ص ۴۱-۴۲.

۳. نصرت ماکویی، ص ۲۹.

۴. میرزا عبدالامیر شیخ‌الاسلام، دو سند از انقلاب مشروطه ایران (تهران: انتشارات توکا، ۲۵۳۶)، ص ۴۰.

۵. مستوفی، ج ۳، ص ۵۷۶.

۶. عزیزالسلطان، ج ۳، ص ۵۷۷-۵۸۰؛ یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴ (تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۱)، ص ۲۵۷.

۷. عزیزالسلطان، ج ۴، ص ۳۲۴۸-۳۲۴۹.

۸. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ردیف ۳۶۴۷-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۴۰۵ ج ۲ الف ۱: ۱۴؛ سید حسن تقی‌زاده، زندگی طوفانی: خاطرات سید حسن تقی‌زاده، به کوشش عزیزالله علیزاده (تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۹)، ص ۱۸۰.

۹. حبلی‌المتین، س ۱، ش ۶۳ (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

۱۰. به معنی بار قاطر و اسب.

۱۱. انجمن، س ۱، ش ۶۰ (۱۳ صفر ۱۳۲۵)، ص ۴.

می‌شد.^۱ در این منازعات، آنها به جای آنکه مستقیماً با یکدیگر وارد جنگ شوند، زیردستان خود را جمع و به روستاهای طرف مقابل حمله و رعایا را غارت می‌کردند، به قتل می‌رساندند و یا مورد تجاوز قرار می‌دادند.^۲ خان‌های ماکو به فکر رفاه رعایای خود نبودند. برای نمونه، وقتی در سال ۱۳۱۱ق در منطقه چاپپاره محصولی به دست نیامد و مردم گرسنه ماندند، خوانین محصولات سایر مناطق را به اسم کمک به مردم چاپپاره با زور از رعایا گرفتند ولی به جای عرضه به مردم این منطقه به روسیه صادر کردند.^۳ مالیات‌های سنگین جنسی و نقدی و تعرض خوانین به رعایا، در نبود نظارت و حضور حکومت مرکزی، سبب شد برخی از رعایای بی‌پناه و ناراضی ماکو برای فرار از این شرایط به خاک روسیه مهاجرت کنند.^۴

تبلیغات مشروطه‌خواهان در میان دهقانان ماکو

یکی از نمودهای مشارکت مردم در نظام مشروطیت برپایی انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. هدف از ایجاد این تشکل سیاسی-مدنی مردم‌نهاد، جلوگیری از خودسری حکمرانان بود تا در همه شهرها رشته امور در دست خود مردم باشد و حکام نتوانند با دستور محمدعلی شاه در برابر مشروطه کارشکنی کنند.^۵ مستبدین و حکام محلی از همان ابتدا در کار انجمن‌ها مانع‌تراشی کردند. در این میان اقبال‌السلطنه تلاش‌های اولیه آزادی‌خواهان ماکو را برای برپایی انجمن در این شهر ناکام گذاشت و اعلام کرد کسی حق ندارد نام مشروطه و انجمن را بر زبان جاری سازد.^۶ انجمن ایالتی آذربایجان، برای تشکیل انجمن‌های ولایتی و در جهت گسترش مشروطه در شهرهای این ایالت و مبارزه با مستبدین، نمایندگان به شهرهای مختلف فرستاد. بنابراین، میرزا جواد آقا تبریزی، معروف به ناطق^۷، به ماکو اعزام شد.^۸ او به همراه اعضای انجمن خوی به دیدار اقبال‌السلطنه در ماکو رفت تا وی را به حمایت از مشروطه مجاب نماید.^۹ اما حاکم ماکو که خود و خاندانش در طول چند قرن با قدرت نامحدود در این منطقه حکمرانی کرده بودند، مشارکت مردم در اداره امور را پایان یکه‌تازی خود می‌دانست. از این رو، به بهانه‌های مختلف

۱. شهریار ضرغام، گزارش‌های تلگرافی آخرین سال‌های عصر ناصرالدین شاه، خبرهایی از خوی (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۶۹)، ص ۱۴۵، ۲۱۱، ۲۱۶؛ ماکویی، ص ۲۶-۲۵.

۲. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، س ۱۳۰۰ ش، کارتن ۴۵، پرونده ۵، سند ۸؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۹۶/۲۱۵۷۷، برگ ۱-۲؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۹۶/۲۱۶۸۵، برگ ۱؛ حبل‌المتین، س ۱، ش ۶۳ (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲-۳.

۳. ضرغام، ص ۱۲۵.

۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ردیف ۲۹۳۰۰۴۱۹۴-۲۹۳۰۰، محل در آرشیو ۸-۲۶ الف ۱؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ردیف ۲۴۰۰۱۵۵۷۰، محل در آرشیو ۱۰-۴۵ الف ۱: ۵-۴.

۵. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳)، ص ۲۱۴-۲۲۳.

۶. حبل‌المتین، س ۱، ش ۴۶ (۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

۷. از اعضای انجمن ایالتی آذربایجان.

۸. حبل‌المتین، س ۱، ش ۴۶ (۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

۹. فریاد، س ۱، ش ۴ (۲۲ صفر ۱۳۲۵)، ص ۳-۴؛ انجمن، س ۱، ش ۶۰ (۱۳ صفر ۱۳۲۵)، ص ۴.

با تأسیس انجمن مخالفت کرد.^۱

در بین خوانین ماکو، عزت‌الله‌خان و نصرت‌الله‌خان تحت تأثیر تبلیغات میرزا جواد و اعضای انجمن خوی و همچنین برای رقابت با دیگر خوانین به طرفداری از مشروطیت برخاستند.^۲ عزت‌الله‌خان که خواهرزاده اقبال‌السلطنه نیز بود، برای نشان دادن همراهی و همدلی خود با مشروطیت و ارتقای مقام خود به رهبر مشروطه‌خواهان ماکو و تحریک روستاییان علیه دیگر خوانین، اعلانی به ریش‌سفیدان و مباشرین روستاهای خود فرستاد (۲۴ محرم ۱۳۲۵ق/۱۷ اسفند ۱۲۸۵ش) و اعلام کرد که به خاطر تشکیل نظام مشروطیت، زارعان را از بسیاری از تعهدات رعیتی معاف می‌کند.^۳ این اقدام اولین گام برای کشاندن دهقانان به سمت مشروطیت بود. میرزا جواد و همراهانش نیز با بهره‌گیری از اختلافات خوانین ماکو و بدون توجه به مخالفت‌های اقبال‌السلطنه، با پشتیبانی مشروطه‌خواهان ماکو، در ماه صفر ۱۳۲۵ق/ اسفند-فروردین ۱۲۸۶ش در این شهر انجمن برپا کردند.^۴

اما برای مهار قدرت استبدادی اقبال‌السلطنه و دیگر خوانین ماکو، تشکیل انجمن به‌تنهایی کافی نبود، زیرا پایگاه اصلی قدرت نظامی و اقتصادی این مستبدان در میان ایلات و روستاییان این منطقه قرار داشت و بنابراین، با بسیج عشایر و دهقانان ماکو می‌توانستند انجمن و مشروطه‌خواهان قصبه کوچک ماکو را، که جمعیتی در حدود ۲ تا ۸ هزار نفر داشت،^۵ به‌راحتی قلع و قمع نمایند. بدین ترتیب، گسترش مشروطیت در میان ایلات و روستاییان کلید ثبات و پایداری مشروطیت در ماکو و عامل تضعیف قدرت استبدادی خوانین بود. زارعان این ناحیه به خاطر ظلم و زورگویی اقبال‌السلطنه و بنی‌اعمامش که مالکیت روستاهای ماکو را بر عهده داشتند، مستعد شورش و مبارزه علیه آنها و پذیرش افکار مشروطه‌خواهی بودند. فرستادگان انجمن ایالتی با آگاهی از واقعیات فوق، پس از تشکیل انجمن در شهر ماکو، به میان کشاورزان و عشایر این منطقه رفتند و «با نطق‌های شیرین مهیج ملت را مطلع و به جانب این امر مشروع متوجه» کردند.^۶

طبیعتاً سخنرانی درباره مبانی فکری مشروطیت و آزادی و برابری برای زارعان بی‌سواد روستاهای ماکو فایده‌ای نداشت و محرک جنبشی در میان آنان نمی‌شد. اما مناسبات ناعادلانه ارباب-رعیتی و ظلم

۱. میرزا ابوالقاسم بن اسدالله امین‌الشرع خویی، تاریخ خوی، شماره مسلسل ۸۵۳۰، برگه ۷۷ب-۷۸ الف (قم: نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا)؛ علی‌ثقه‌الاسلام تبریزی، نامه‌های تبریز از ثقه‌الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت)، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات فروزان روز، ۱۳۷۸)، ص ۲۷.

۲. نصرت ماکویی، ص ۴۵؛ حبل‌المتین، س ۱، ش ۴۶ (۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

۳. انجمن، س ۱، ش ۶۰ (۱۳ صفر ۱۳۲۵)، ص ۴.

۴. کسروی، ص ۳۶۳.

۵. عزیزالسلطان، ج ۴، ص ۳۳۷۹؛ مستوفی، ج ۳، ص ۵۷۷.

۶. حبل‌المتین، س ۱، ش ۴۶ (۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

و ستمی که اربابان و مالکان زمین بر دهقانان بی‌پناه می‌کردند، زمینه خوبی برای تبلیغات در اختیار مشروطه‌خواهان قرار داده بود. آزادی‌خواهان از این مسئله برای به حرکت درآوردن کشاورزان بهره بردند و به آنان اعلام کردند با استقرار نظام مشروطیت، مناسبات ارباب-رعیتی به پایان رسیده است و همه زارعان مالک زمین‌هایی هستند که بر روی آن کار می‌کنند. بنابراین، «بعد از این ابداً نه خود ارباب و نه نوکر و داروغه خرمین به ده نگذارید و هر گاه ببینند زده بیرون کنید، فقط شما از ده بند غله یک بندش را به جهت حق اربابی کنار گذاشته، مابقی را بدون اذن و اجازه مالک کوبیده بردارید و از این گونه دستورالعمل‌ها به گوش رعیت نادان خیلی می‌سرودند.»^۱ این دستورالعمل عامل پیوند دهقانان ماکو با مشروطیت شد و با استقبال گسترده آنان مواجه شد. چنانکه جنبش بزرگی در میان زارعان علیه زمینداران تشکیل گردید. دهقانان در گام اول این خیزش، خود را از قید و بند مالکان رها و املاکشان را غصب کردند و آنان را به دهات راه ندادند.^۲ این اقدامات که به منزله پایان مناسبات ارباب-رعیتی و رها شدن روستاییان از فشارها و اجحافات خوانین بود، اثر زیادی بر رعایای ماکو گذاشت. تقی‌زاده این واقعه را آغاز انقلاب در ماکو می‌داند.^۳ امین‌الشرع خویی که گرایش استبدادی دارد، در این مورد می‌نویسد:

معلوم است رعیت نانجیب همین که اسم ترخان بودن^۴ را می‌شنیدند، دیگر یک مرتبه مهار را گسسته و از تحت انتظام به کلی خارج شده و اطاعت و انقیاد را فراموش می‌نمودند [...] دیگر ابداً خود را از وظایف رعیتی به وظیفه‌ای موظف و مکلف نمی‌دانستند. و این معنی خود اول حيله و پوتیکی بود که آقایان انجمن در رعیت به کار برده و ایشان را یک مرتبه یاغی و طاغی می‌نمودند.^۵

تأسیس انجمن‌های روستایی

فرستادگان انجمن ایالتی در تاریخ ۱۰ صفر ۱۳۲۵ ق/ ۴ فروردین ۱۲۸۶ ش ماکو را ترک کردند. ۶ تا این زمان جنبش دهقانان ماکو بیشتر در قالب مصادره املاک اربابان و زمینداران بود، اما به‌مرور به سمت مشروطه‌خواهی نیز کشیده شد. عزت‌الله‌خان که رهبری مشروطه‌خواهان ماکو را بر عهده داشت،^۷ برای اعمال فشار بیشتر به اقبال‌السلطنه و دیگر خوانین مستبد، در همه روستاهای تحت مالکیت خود انجمن

۱. امین‌الشرع خویی، برگه ۷۷ ب.

۲. تقی‌زاده، ص ۱۸۱-۱۸۳.

۳. همان، ص ۱۸۳.

۴. خرده مالک

۵. امین‌الشرع خویی، برگه ۷۷ الف-۷۷ ب.

۶. فریاد، س ۱، ش ۸ (۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

۷. انجمن، س ۱، ش ۶۳ (۲۲ صفر ۱۳۲۵)، ص ۳.

برپا کرد.^۱ بنابراین، دیگر روستاییان ماکو نیز جرئت یافتند و مساجد روستاها را تبدیل به انجمن کردند. انتخاب مکانی مقدس برای محل انجمن باعث جلب اعتماد روستاییان و تشریک مساعی بیشتر آنان در مشروطه‌خواهی می‌شد. بدین ترتیب، انجمن‌های روستایی به پایگاه تجمع هواداران مشروطه تبدیل شدند. این در حالی بود که طبق اساسنامه انجمن‌ها، روستاها و قصبات حق تأسیس انجمن نداشتند.^۲ بسط مشروطیت در میان تمام طبقات اجتماعی ایران و خارج کردن آن از انحصار طبقات بالای جامعه در شهرهای بزرگ لازمه موفقیت و پایداری نظام مشروطیت بود. اقدامات مشروطه‌خواهان در روستاهای ماکو از این منظر نیز قابل بررسی است. هدف آنان در این منطقه تضعیف جایگاه مستبدین ماکو از طریق شورانیدن رعایا علیه آنان و ایجاد پایگاه قدرتمند برای مشروطیت در بین طبقات پایین جامعه به‌ویژه روستاییانی بود که اکثریت جامعه ایرانی را تشکیل می‌دادند. از طرفی چون هنوز در ایران کارگر صنعتی شکل نگرفته بود تا مشروطه‌خواهان این طبقه را به شورش و انقلاب وادار نمایند، به تبلیغ در میان کشاورزان دست زدند. همچنین یکی از عوامل پیدایش جامعه لیبرالی مهار کردن بخش زمینداری است. سلطه سیاسی طبقه زمیندار می‌بایست درهم شکسته شود و یا استحاله یابد و دهقان می‌بایست به شکل کشاورزی درآمد که نه برای اربابش بلکه برای فروش در بازار کالا تولید کند.^۳ جنبش دهقانان ماکو علیه ملاکان تنها در نتیجه تبلیغات و فعالیت‌های فرستادگان انجمن ایالتی نبود، امین‌الشرع خوبی این وقایع را تحت تأثیر القاءات و حضور سوسیال دموکرات‌های قفقاز به رهبری میرزا جعفر زنجانی در خوی می‌داند.^۴ میرزا جعفر و شش نفر از همراهانش که زاده شهر خوی بودند، از فرستادگان کمیته اجتماعیون عامیون ایرانیان بودند.^۵ این گروه نقش مهمی در تحریک مردم منطقه علیه خوانین ماکو داشتند.^۶ گزارش سفارت انگلستان هم بیانگر نقش مجاهدان و مبارزان قفقازی در تحریک مردم مناطق شمالی ایران علیه حکام محلی و محمدعلی شاه است.^۷

۱. امین‌الشرع خوبی، برگه ۷۷ ب.

۲. انجمن، س ۱، ش ۷۴ (۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۳.

۳. برینگتون مور، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی: نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان نو، ترجمه حسین بشیریه (تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹)، ص ۲۱.

۴. امین‌الشرع خوبی، برگه ۷۶ ب.

۵. مهدی قلی هدایت، خاطرات و خطرات (تهران: زوار، ۱۳۸۵)، ص ۳۱۱؛ کسروی، ص ۴۷۰.

۶. شیخ‌الاسلام، ص ۲۱.

۷. احمد بشیری، کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران)، ج ۱ (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۴۲.

پیامدهای جنبش دهقانان ماکو

تبعید اقبال السلطنه از ماکو

اقبال السلطنه در برابر حوادث ماکو منفعلانه رفتار کرد و با ارسال تلگراف‌هایی به تبریز و تهران از تشکیل انجمن‌ها در شهر و روستاهای ماکو شکایت نمود، انجمن‌هایی که به زعم او باعث برهم خوردن امنیت و ایجاد اختلاف شده بودند.^۱ دهقانان ماکو واقف بودند که با وجود اقبال السلطنه و پیوندی که جایگاه وی با نظام استبدادی دارد، جریان مشروطه در ماکو پایدار نخواهد بود. در نتیجه یک مرتبه «تمامی اهالی دهات ماکو» به جنبش و طغیان برآمدند و با همراهی عزت‌الله‌خان دور هم جمع شدند و اقبال السلطنه را از کشور اخراج کردند.^۲ او به همراه چند نفر از خوانین در ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ق/ ۲۶ فروردین ۱۲۸۶ ش به خاک روسیه فرار کرد.^۳ انفعال و عدم مقاومت اقبال السلطنه در برابر مشروطه‌خواهان ماکو به دلایل زیر بود:

۱. بخش بزرگی از مردم منطقه ماکو، شامل دهقانان، روحانیون، تجار، عشایر و برخی از خوانین، طرفدار مشروطه بودند و نیروی متحدی را تشکیل می‌دادند که امکان مقابله با آنها وجود نداشت.^۴
۲. اقبال السلطنه نارضایتی و شورش دهقانان و مردم ماکو علیه خود را باور نمی‌کرد و انجمن خوی را در پشت این حوادث می‌دید^۵ و معتقد بود مردم ماکو به‌زودی متوجه اشتباه خود خواهند شد.^۶
۳. این حوادث در اواخر زمستان و اوایل بهار روی داد و اقبال السلطنه به خاطر سرما نمی‌توانست از نیروی جنگی ایلات طرفدار خود استفاده کند.^۷
۴. او در این زمان هنوز مجوزی از طرف محمدعلی شاه برای مقابله با مشروطه‌خواهان نداشت.^۸

آزادی روستاییان ماکو

انجمن ایالتی آذربایجان و مشروطه‌خواهان منطقه از فرار اقبال السلطنه استقبال کردند.^۹ قرار نداشتن کسی در رأس حکومت ماکو باعث شد دهقانان ماکو برای اولین بار خود را آزاد و بدون قید و بند ببینند و این مسئله سبب تند شدن فضای انقلاب در روستاها شد: «جنبش رعایا کار را به جایی رسانید که زمام

۱. تقه‌الاسلام تبریزی، ص ۲۶-۲۷؛ حبل‌المتین، س ۱، ش ۹۳ (۸ رجب ۱۳۲۵)، ص ۳.

۲. امین‌الشرع خویی، برگه ۷۸ الف-۷۸ ب.

۳. آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، س ۱۳۲۵ ق، کارتن ۵، پرونده ۴، سند ۵؛ تقی‌زاده، ص ۱۸۳.

۴. افتخاری بیات، ص ۴۵.

۵. انجمن، س ۱، ش ۱۴۷ (۲۸ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۳-۴.

۶. افتخاری بیات، ص ۴۵.

۷. حبل‌المتین، س ۱، ش ۹۳ (۸ رجب ۱۳۲۵)، ص ۳.

۸. امین‌الشرع خویی، برگه ۷۸ ب.

۹. انجمن، س ۱، ش ۷۰ (۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۴؛ فریاد، س ۱، ش ۸ (۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

امور از هم گسیخته گردید.^۱ امین‌الشرع خویی و کسروی دهقانان ماکو را متهم به خودسری می‌کنند و معتقدند آنها درک درستی از مشروطیت نداشتند.^۲ از دید کاتوزیان، تندروی‌های دهقانان ماکو به این مسئله برمی‌گشت که وقتی یک قوم و ملت برای سال‌های متمادی در زیر ظلم و تعدی زندگی کنند، اگر یوغ استبداد از گردن آنها برداشته شود و خود را آزاد ببینند، به خاطر نداشتن دانش و علم مآل‌اندیشی طرف افراط را می‌گیرند و از حدود خود تجاوز می‌کنند.^۳ همچنین پیشتر اشاره شد که خوانین ماکو مسلط بر مقدرات زندگی روستاییان بودند و روابط ارباب-رعیتی در این منطقه به شدت ناعادلانه و تابع هوی و هوس مالکان بود. بنابراین، اقدامات دهقانان ماکو در واکنش به تعدی بدون ضابطه خوانین ماکو بر جان و مال و ناموششان بود.

در این مرحله فعالیت‌های دهقانان و دیگر مشروطه‌خواهان ماکو به تجمع در انجمن‌ها و ارسال تلگراف به گوشه و کنار کشور منحصر شده بود. به نظر می‌رسد آنها هیچ احساس خطری از حوادث آینده نداشتند و خود را فاتح نهایی منازعه با استبداد تلقی می‌کردند. آنها با ارسال تلگرافی به انجمن ایالتی از آمادگی اهالی شهر، «هزار و پانصد قریه و دهات» و ایلات ماکو برای جانفشانی در راه مشروطیت خبر دادند و برای مستبدین رجزخوانی کردند.^۴

با فرار اقبال‌السلطنه، عزت‌الله‌خان اداره حکومت ماکو را بر عهده گرفت.^۵ اما نظام‌الملک، حکمران آذربایجان، به‌رغم تمایل دهقانان و اعضای انجمن ماکو،^۶ حکمرانی وی را تأیید نکرد.^۷ این مسئله باعث تضعیف موقعیت مشروطه‌خواهان ماکو و هرج و مرج بیشتر در این منطقه شد. انتخاب نکردن حاکم برای ماکو یکی از ترفندهای دربار بود تا وضعیت مشروطه‌خواهان ماکو سامان نگیرد و اقبال‌السلطنه مجال بازگشت پیدا کند.^۸ به‌مرور رابطه عزت‌الله‌خان با مشروطه‌خواهان ماکو به هم خورد و او هم در اوایل خرداد ۱۲۸۶ ش از ماکو اخراج شد. ریاست‌طلبی و حمایت عزت‌الله‌خان از مشروطیت، برخلاف ادعای گروهی از منابع، حاصل تبانی وی با اقبال‌السلطنه نبود،^۹ زیرا وی پیش از مشروطیت نیز با اقبال‌السلطنه و دیگر بنی‌اعمام خود اختلاف داشت. او سعی داشت از مشروطیت برای رسیدن به حکومت

۱. محمدعلی تهرانی کاتوزیان، *مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸)، ص ۶۲۷.

۲. امین‌الشرع خویی، برگه ۷۸ الف؛ کسروی، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۳. تهرانی کاتوزیان، ص ۶۳۷.

۴. انجمن، س ۱، ش ۸۶ (۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵)، ص ۳-۴.

۵. انجمن، س ۱، ش ۷۴ (۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۳.

۶. انجمن، س ۱، ش ۷۳ (۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۱؛ انجمن، س ۱، ش ۶۵ (۲۹ صفر ۱۳۲۵)، ص ۴؛ انجمن، س ۱، ش ۷۷ (۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)،

ص ۷-۸.

۷. انجمن، س ۱، ش ۷۶ (۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۷-۸.

۸. کریم طاهرزاده بهزاد، *قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران* (تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۳۳)، ص ۲۷۳.

۹. *حبل‌المتین*، س ۱، ش ۹۳ (۸ رجب ۱۳۲۵)، ص ۳؛ تهرانی کاتوزیان، ص ۶۹۷.

و انتقام گرفتن از مخالفانش استفاده کند،^۱ اما مقاومت نظام‌الملک و حکومت مرکزی در برابر این اقدام، نقشه‌های وی را نقش بر آب کرد. از طرفی، شدت گرفتن شور انقلابی در میان رعایا و روستاییان و خطر از بین رفتن املاک و حکومت موروثی خاندان بیات سبب ترس عزت‌الله‌خان شد.^۲ بنابراین، او صف خود را از مشروطه‌خواهان جدا کرد و به دیگر خوانین مستبد پیوست و زمینه بازگشت اقبال‌السلطنه به ماکو فراهم شد.^۳

سرکوب جنبش دهقانان ماکو

عزت‌الله‌خان حلقه ارتباطی مشروطه‌خواهان ماکو با خان‌های بیات بود. بنابراین، با بیرون کردن او از ماکو تقابل آزادی‌خواهان و بازماندگان خوانین به اوج رسید. دهقانان و دیگر اهالی ماکو مسلح شدند و خوانین و بستگان‌شان را در قلعه ماکو محاصره کردند و جنگ میان طرفین آغاز شد.^۴ اقبال‌السلطنه که در خاک روسیه بود، با شنیدن خبر حوادث ماکو، با حمایت دربار و روس‌ها، پس از حدود سه ماه به ماکو بازگشت.^۵ او ابتدا به میان ایل جلالی که گرایش مشروطه‌خواهی داشتند، رفت و آنها را با پرداخت پول به سمت خود کشاند. سردار در رأس نیروی ششصد نفره اکراد جلالی غفلتاً به اردوی مشروطه‌خواهان که شبانه «خوانندگی می‌کردند و به خیال پول و جواهرات و خواتین خوانین عیش می‌کردند»^۶ حمله کرد و آنها را شکست داد و اداره شهر ماکو را به دست گرفت.^۷ حمله ناگهانی و شبانه مستبدین به ماکو نشانگر تعداد کم نیروی نظامی آنان در قیاس با مشروطه‌خواهان است.^۸ عامل برتری اقبال‌السلطنه در این نبرد، اتحاد همه خوانین از جمله عزت‌الله‌خان و نصرت‌الله‌خان و گرایش ایل جلالی به سمت وی بود. در این درگیری حدود ۲۰۰ نفر از مدافعان مشروطه کشته شدند.^۹ همچنین برخی از اعضای انجمن ماکو زندانی و عده‌ای دیگر با گرفتن جریمه‌های هنگفت از شهر اخراج شدند.^{۱۰}

اقبال‌السلطنه، پس از تسط بر شهر، به سراغ دهقانان رفت که پایگاه توده‌ای انقلاب را در ماکو تشکیل

۱. افتخاری بیات، ص ۴۵؛ شیخ‌الاسلام، ص ۶۳.

۲. امین‌الشرع خوبی، برگه ۷۶ ب؛ حبل‌المتین، س ۱، ش ۴۶ (۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲؛ تهرانی کاتوزیان، ص ۶۷۷.

۳. بعد از این ماجرا اختلافات او با دیگر خوانین حل نشد و سه سال بعد خوانین ماکو در تبنانی با اقبال‌السلطنه او را متفقاً به قتل رساندند (ساکما، شماره ردیف ۲۹۳۰۰۳۰۴۴، محل در آرشیو ۲۴۶۲۵ ب الف ۱؛ ساکما، شماره ردیف ۲۹۳۰۰۳۰۴۴، محل در آرشیو ۲۴۶۳۵ ب الف ۱؛ افتخاری بیات، ۱۳۸۱، ص ۴۶). این بلا بر سر نصرت‌الله‌خان، دیگر خان‌زاده طرفدار مشروطه، هم آمد. در خارج شهر تبری به وی اصابت کرد و کشته شد (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳، ص ۵۸).

۴. امین‌الشرع خوبی، برگه ۷۶ ب؛ نصرت ماکویی، ص ۴۵.

۵. ملک‌زاده، ج ۲، ص ۴۸۱؛ مهدی مجتهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت (تهران: زرین، ۱۳۷۹)، ص ۳۸۲.

۶. نصرت ماکویی، ص ۴۶.

۷. امین‌الشرع خوبی، برگه ۷۹ ب-۸۰ ب.

۸. نصرت ماکویی، ص ۴۵-۴۶.

۹. تهرانی کاتوزیان، ص ۶۹۷.

۱۰. شیخ‌الاسلام، ص ۵۰.

می‌دادند و توانسته بودند مالکان و اربابان را از روستاها بیرون بیدانند و با تشکیل انجمن‌های روستایی نقش مهمی در اخراج وی از ماکو ایفا کنند. او اکراد را تحت فرماندهی اعضای خاندان خود بسیج و مأمور غارت و کشتار روستاهای مشروطه‌خواه کرد.^۱ اهالی هر روستا که تسلیم می‌شدند و اسلحه خود را تحویل می‌دادند در امان می‌ماندند، ولی هر دهی که حاضر به تسلیم نمی‌شد غارت می‌شد و مردانش کشته و زنان اسیر می‌گشت.^۲

پس از سرکوب مشروطه‌خواهان شهر ماکو و هجوم نیروهای اقبال‌السلطنه به دهات، برخی از روستاییان که امیدی به بقای مشروطیت نداشتند، تسلیم شدند. اما دهقانان ۳۰ تا ۶۰ روستا تصمیم گرفتند از آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود که در سایه مشروطیت به دست آورده بودند، دفاع نمایند. بنابراین، به مقابله مسلحانه با قشون مستبدین برخاستند. اما قوای خوانین آنها را شکست دادند، نزدیک به ۲۵۰ نفر را کشتند و تمام روستاهای منطقه ماکو را در هرج و مرج و ناامنی غوطه‌ور کردند و دامنه کشتار را تا چهار فرسخی خوی توسعه دادند. اکراد هست و نیست زارعان طرفدار مشروطه را غارت و نظام ارباب-رعیتی را با شدتی بیش از پیش در روستاها برقرار کردند.^۳ جزئیاتی از کشتارهای وابستگان اقبال‌السلطنه در روزنامه کاسپی روسیه از قول دو نفر از فراریان شهر ماکو درج شده است: آنان

قرای ذیل را غارت و خراب کرده‌اند: قرازیادین، کاسیان، باستان، شوتلو، قارول، چارناچاق، اغداش، بیداموش، کازتولکی، اینچه‌لر، قورناوه، قبابان باسانلار، حاجیلر و غیره و غیره. اهالی قرای مذکوره را به غیر از حساب مالی، تعدیات وحشیانه و ظلم‌های فوق‌الطافه انسانی وارد آمده است. مثلاً مردها را دو شقه کرده‌اند. پستان زن‌ها را بریده‌اند! اطفال را به رودخانه زنگی‌بار انداخته‌اند [...] هر که اسم انجمن به زبان آورد زبانش را می‌برند. از این قبیل اشخاص زبان‌بریده بسیار است.^۴

شیخ‌الاسلام در جمع‌بندی کشتار روستاهای ماکو می‌نویسد: «الحق زیاده از اندازه اجحافات نموده و

۱. صبح صادق، س ۱، ش ۱۲۹ (۶ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۲؛ شیخ‌الاسلام، ص ۲۸.

۲. حبل‌المتین، س ۱، ش ۹۳ (۸ رجب ۱۳۲۵)، ص ۳؛ همان، س ۱، ش ۱۵۷ (۳ شوال ۱۳۲۵)، ص ۵؛ تهرانی کاتوزیان، ص ۶۹۷.

۳. حبل‌المتین، س ۱، ش ۴۶ (۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲؛ همان، س ۱، ش ۹۳ (۸ رجب ۱۳۲۵)، ص ۳-۴؛ صبح صادق، س ۱، ش ۱۲۹ (۶ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۲.

۴. حبل‌المتین، س ۱، ش ۶۳ (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۱. عوامل سردار ماکو با روستاییان تبریز در دوره استبداد صغیر هم چنین معاملاتی کردند: «چند تن طفل بیچاره را به آتش انداخته سوزانده‌اند. از مردم بیچاره استعلا می‌کرده‌اند که شاه‌پرست هستند یا انجمن‌پرست؟ قریب ده نفر گفته‌اند که انجمن‌پرست هستند. همه آنها را زبان بریده‌اند و پنج نفر را شکم به شکم بسته متفقا به یک توپ بسته‌اند.» (ثقه‌الاسلام تبریزی، ص ۱۱۳). جورابچی هم معتقد است «آنها داخل قریه [سهلان] شده، تمامی را می‌گیرند و قریه را آتش می‌زنند، خراب می‌کنند. نمائد از اهل سهلان، مگر زن‌ها و قدری پیرمرد؛ باقی را مقتول می‌کنند» و ادامه می‌دهد که روستای سهلان به قدری غارت شده بود که حتی «یک لحاف نمانده بود به رویشان بکشند. پستان زن‌ها را بریده بودند» (محمدتقی جورابچی، حرفی از هزاران کاندلر حکایت آمد (وقایع تبریز و رشت ۱۳۳۵-۱۳۳۶ هـ.ق)، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: انتشارات تاریخ ایران، ۱۳۶۳)، ص ۱۸). بنابراین، گزارش‌های بدرفتاری طرفداران اقبال‌السلطنه با روستاییان ماکو اغراق‌آمیز نیست و این رفتار در موقعیت‌های دیگر هم از جانب آنها تکرار شده است.

ستم‌ها کرده و قتل‌ها نموده و مال‌ها برده و قریه‌ها سوخته‌اند.^۱ تقی‌زاده هم کشتارهای ماکو را تأیید کرده است.^۲ پس از تسلط اقبال‌السلطنه بر شهر ماکو و تعقیب و کشتار آزادی‌خواهان این شهر، امید چندانی به بقای مشروطیت در روستاهای این منطقه وجود نداشت، اما مقاومت دهقانان در برابر قشون مستبدین ماکو نشانگر آمادگی آنان برای بذل جان و مال خود در حراست از دستاوردهای مشروطیت بود. در روستاهای منطقه ماکو این دستاورد شامل لغو نظام ارباب-رعیتی و برپایی انجمن‌های روستایی می‌شد.

بدین ترتیب، جنبشی که دهقانان ماکو در اواخر زمستان ۱۲۸۵ش آغاز کرده بودند، در اوایل تابستان ۱۲۸۶ش پس از چند ماه سرکوب شد و به پایان رسید. این شکست به دلایل زیر بود:

۱. رهبری جنبش دهقانان ماکو عملاً در شهر ماکو قرار داشت و در دست عزت‌الله‌خان و انجمن این شهر بود. بنابراین، با گرایش عزت‌الله‌خان به استبداد و تسلط اقبال‌السلطنه بر شهر ماکو و قلع و

قمع هواداران مشروطه در این شهر، جنبش دهقانی ماکو رهبری خود را از دست داد.

۲. جنبش دهقانان ماکو حاصل شور و هیجانی بود که اعضای انجمن تبریز و خوی در میان آنها به وجود آورده بودند و آنان را با شعار آزادی و مشروطیت علیه مناسبات ارباب-رعیتی و زمینداران و مستبدین منطقه تهییج می‌نمودند. از دید دهقانان ماکو مشروطیت به معنی مالکیت بر زمین‌هایی بود که بر روی آن کار می‌کردند. بدون تردید، آنان شناختی از مشروطیت و اصول آن نداشتند و نمی‌شد چنین انتظاری هم از آنان داشت. اما مشروطه‌خواهان منطقه که محرک آنان در این جریان بودند، در ادامه جنبش هیچ حمایت عملی و واقعی از آنان نکردند و آنها را در برابر قوای مستبدین تنها رها کردند.

۳. وسعت زیاد ماکو و پراکندگی روستاهای آن و همچنین خودبسندگی زندگی روستاییان این منطقه سبب شده بود ارتباط و اتحادی میان روستاییان مشروطه‌خواه این منطقه وجود نداشته باشد. همچنین برخی از روستاهای مشروطه‌خواه که مقاومت را بی‌فایده می‌دیدند، تسلیم شدند. قوای متحد مستبدین ماکو اگرچه کمتر از قشون شهری مشروطه‌خواهان ماکو بودند، تعداد آنها از دهقانان مشروطه‌خواه روستاهای این منطقه به مراتب بیشتر بود و به راحتی بر دهقانان رزم‌ندیده روستایی غلبه کردند.

۴. مستبدین برای سرکوب هرچه خشن‌تر جنبش روستاییان از مفاهیم دینی و تعارضات مذهبی موجود در منطقه بهره می‌بردند. چنانکه نام بابی بر روی مشروطه‌خواهان ماکو گذاشته بودند و این

۱. شیخ‌الاسلام، ص ۲۱.

۲. تقی‌زاده، ص ۱۸۳.

بهانه خوبی برای غارت و کشتار آنها بود.^۱ همچنین ایلات جلالی و میلان که هسته اصلی قشون مستبدین ماکو را تشکیل می‌دادند، سنی‌مذهب بودند و «قلباً با رعایای عجم منتهای دشمنی را» داشتند. این مسئله هم شدت تجاوز و کشتار را در روستاها بیشتر می‌کرد.^۲ عشایر ماکو جنگ بین استبداد و مشروطیت را فرصتی مغتنم برای غارتگری و کشتار می‌دانستند. تقابل استبداد و آزادی برای آنان مهم نبود و اغلب نمی‌دانستند برای چه عملیاتی و به چه هدفی به میدان جنگ گسیل شده‌اند.^۳ این افراد به‌رغم آنکه ابتدا دعوی مشروطه‌خواهی داشتند، در قبال دریافت پول و وعده راهزنی و غارتی که اقبال‌السلطنه به آنان داد، حاضر به همکاری با وی در سرکوب مشروطه‌خواهان شدند. در آن برهه، قتل و غارت و ایجاد ناامنی در کشور، سیاست محمدعلی شاه و وابستگان وی از جمله اقبال‌السلطنه برای ایجاد بحران در مشروطه نوپای ایران بود، پس اکراد هم به این گروه گرایش یافتند و از آن بهره بردند. محمدعلی شاه پس از به توپ بستن مجلس و سپس در جریان محاصره تبریز نیز از سیاست غارت به بهترین وجه بهره برد و دستور کشتار مخالفان و غارت اموال آنان را صادر کرد.^۴ در حدود ۷۰۰ خانوار از روستاها و شهر ماکو برای در امان ماندن از تجاوزهای قشون اقبال‌السلطنه به شهرهای اطراف گریختند،^۵ برخی هم به خاک روسیه فرار کردند.^۶ اما مدتی بعد با تبنای مستبدین ایران با حکومت روسیه، تمام این مهاجرین را مجبور کردند که دوباره به ماکو بازگردند.^۷

واکنش‌های مشروطه‌خواهان و مستبدین به حوادث ماکو

حوادث ماکو و کشتار و غارت روستاهای این منطقه توسط انجمن خوی در ۱۴ خرداد ۱۲۸۶ ش مخابره شد و بازتاب وسیعی یافت. نمایندگان مجلس در چند جلسه درباره وقایع ماکو بحث کردند ولی به نتیجه مشخصی نرسیدند، زیرا این حوادث را به تحریک شاه می‌دانستند و معتقد بودند تا زمانی که وی عملاً با مشروطه همراهی نکند، اغتشاش پایان نخواهد یافت. ۸. مجلس قدرت اجرایی و نیروی نظامی لازم را برای تحت فشار قرار دادن اقبال‌السلطنه در اختیار نداشت، بنابراین، نمایندگان مجلس تلگراف

۱. کسروی، ص ۳۶۴.

۲. حبل‌المتین، س ۱، ش ۶۳ (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲.

۳. ناله ملت، س ۱، ش ۱۷ (۲۵ شعبان ۱۳۲۶)، ص ۱.

۴. محمدآقا ایروانی، «تاریخ مشروطه ایران»، در دو رساله از انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش عبدالحسین زرین کوب و روزبه زرین کوب، (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۹؛ محمدامین رسول‌زاده، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رحیم رئیس‌نیا (تهران: شیرازه، ۱۳۹۵)، ص ۶۵.

۵. مجلس، س ۱، ش ۱۳۰ (۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۲؛ حبل‌المتین، س ۱، ش ۱۵۷ (۳ شوال ۱۳۲۵)، ص ۵.

۶. صبح صادق، س ۱، ش ۱۲۹ (۶ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۲.

۷. حبل‌المتین، س ۱، ش ۶۳ (۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۱.

۸. مجلس، س ۱، ش ۱۰۹ (۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵)، ص ۲؛ مجلس، س ۱، ش ۱۱۵ (۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۳.

تهدیدآمیزی به وی نوشتند و او را از عواقب اقداماتش برحذر داشتند.^۱ همچنین نمایندگان از دولت تقاضا کردند به اوضاع ماکو رسیدگی کند. ولی خود دولت در این هنگام سرگرم مبارزه با مشروطه بود و با تحریک روحانیون جریان مشروعه‌خواهی را به راه انداخته و تمام توان خود را برای نابودی مشروطه به کار بسته بود.^۲ اقدامات اقبال‌السلطنه با حمایت دربار و همسو با سیاست محمدعلی شاه برای آشفته کردن اوضاع کشور به‌ویژه آذربایجان بود تا اداره امور از دست مشروطه‌خواهان خارج شود و مشروعیت حکومت مشروطه در میان مردم از بین برود.^۳ با همین هدف، میرزا علی اصغر اتابک با ارسال تلگرافی به اقبال‌السلطنه رعایای مشروطه‌خواه ماکو را مفسد خواند و اقدامات آنان علیه اقبال‌السلطنه را حرکتی وحشیانه نامید و بر حمایت کامل حکومت مرکزی از وی در قلع و قمع مشروطه‌خواهان تأکید کرد.^۴ اقبال‌السلطنه، با استناد به این تلگراف، سرکوب مشروطه‌خواهان را برای حفاظت از جان، مال، عیال و املاک خود ضروری می‌دانست.^۵

در این شرایط اعتراض‌های مردم و انجمن تبریز به مجلس و دولت هم به نتیجه نرسید.^۶ دولت اقدامات اقبال‌السلطنه را برای تأمین نظم و امنیت لازم می‌دانست و در خونریزی‌های وی تردید نداشت. اعزام نمایندگانی از سوی دولت و انجمن تبریز به ماکو (تیرماه ۱۲۸۶ ش) هم نتوانست در وضعیت بحرانی دهقانان این منطقه تغییری ایجاد کند.^۷ در شهرهای ایروان، اصفهان، ارومیه، انزلی، مرنند و غیره برای کشتگان ماکو مجالس بزرگداشت برپا شد.^۸ برخی از بانوان روشنفکر هم از رشادت دهقانان و رعایای این منطقه تمجید و از مماشات دولت و مجلس در برابر اقبال‌السلطنه انتقاد کردند.^۹

تشریک مساعی مستبدین و آزادی‌خواهان برای پایان دادن به منازعه دهقانان ماکو و اقبال‌السلطنه

واکنش مردم خوی به حوادث ماکو متفاوت با دیگر مناطق بود. مردم این شهر به‌واسطه نزدیکی به ماکو در جریان جزئیات تحولات این منطقه بودند و می‌دانستند که اقبال‌السلطنه، پس از سرکوب جنبش

۱. ایرج افشار، *خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق*، ج ۲ (تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲)، ص ۵۴-۵۵.

۲. *انجمن*، س ۱، ش ۹۸ (۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۴؛ *انجمن*، س ۱، ش ۱۰۳ (۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۵)، ص ۱.

۳. محمد مهدی شریف کاشانی، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۱ (تهران: انتشارات تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ص ۲۴۲.

۴. *انجمن*، س ۱، ش ۱۲۴ (۱۶ رجب ۱۳۲۵)، ص ۲.

۵. *انجمن*، س اول، ش ۱۴۷ (۲۸ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۳-۴؛ کسروی، ص ۴۲۸.

۶. *مجلس*، س ۱، ش ۱۰۸ (۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵)، ص ۲؛ میرزا ابراهیم کلانتری باغمیشه، *روزنامه خاطرات شرف‌الدوله*، به کوشش یحیی ذکاء (تهران: انتشارات فکر روز و کلبه، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۴.

۷. *صبح صادق*، س ۱، ش ۱۲۹ (۶ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۲؛ *انجمن*، س ۱، ش ۱۱۲ (۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵)، ص ۲.

۸. *حبل‌المتین*، س ۱، ش ۹۲ (۷ رجب ۱۳۲۵)، ص ۲؛ همان، س ۱، ش ۱۱۲ (۳۰ رجب ۱۳۲۵)، ص ۳؛ همان، س ۱، ش ۱۳۱ (۲۴ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۳.

۹. همان، س ۱، ش ۱۳۳ (۱۴ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۴.

دهقانان ماکو، به سراغ آنان خواهد رفت و اجازه نخواهد داد شهر خوی به‌عنوان کانون پر قدرت مشروطه در کنار ماکو عرض اندام نماید. از طرفی اقبال السلطنه مردم و انجمن خوی را محرک زارعان ماکو برای شورش می‌دانست. بنابراین، پس از پاکسازی روستاهای ماکو از هواداران مشروطه، نیروهای خود را به خوی فرستاد و به آنان دستور داد دهات خوی را قتل و غارت کنند. انجمن خوی نیز نیروی نظامی فراهم کرد و به مقابله با نیروهای اقبال السلطنه فرستاد.^۱ ولی اکراد قشون ماکو در ۵ شعبان ۱۳۲۵ ق/ ۲۲ شهریور ۱۲۸۶ ش آنها را به‌سختی شکست دادند.^۲

برای رفع اغتشاش در شهر و روستاهای ماکو و پایان دادن به تنش میان مشروطه‌خواهان خوی و خوانین ماکو، انجمن ایالتی آذربایجان و عبدالحسین میرزا فرمانفرما، والی جدید آذربایجان، هیئت شش نفره‌ای را به ریاست شاهزاده مقتدرالدوله به خوی فرستادند. این گروه به محل مأموریت نرسیده بودند که خبر جنگ قشون ماکو با اردوی خوی به آنها رسید.^۳ یکی از اعضای هیئت مصلحه وضع روستاییان خوی را که توسط قشون ماکو غارت شده بودند چنین به تصویر کشیده است: «مرد و زن از صغیر و کبیر، پیر و جوان، بعضی پدر مرده، برخی برادر کشته، جمعی بی‌شوهر و گروهی زخم‌دار و جماعتی صغیر و یتیم و گریه‌کنان وارد [خوی] شده. لخت عریان در کنار قلعه با سوزشی تمام می‌نالند [...] مثل اسرای کربلا در دشت نینوا که احوالشان مستغنی از تحریر و بیان است.»^۴

هیئت مصلحه در این شرایط جنگی و بحرانی کار خود را آغاز کرد و دو طرف منازعه (خوانین ماکو و مشروطه‌خواهان خوی)^۵ به‌رغم آنکه به آنها بدبین بودند،^۶ با پیگیری‌های مجدانه این هیئت، نمایندگان خود را برای مذاکره صلح به منطقه چورس و سپس چاپاره (در بین راه خوی به ماکو) اعزام کردند.^۷ در این بین محمدعلی شاه که بعد از قتل اتابک، از روی ترس، به همراه دیگر درباریان تظاهر به مشروطه‌خواهی می‌کرد، به اقبال السلطنه دستور داد با مشروطه‌خواهان مصالحه نماید تا اوضاع آشفته منطقه سروسامان بگیرد.^۸ تا این زمان (اواخر شهریور و اوایل مهر ۱۲۸۶ ش) امنیت در روستاهای ماکو برقرار نشده بود و اکراد همچنان به غارت و کشتار ادامه می‌دادند و بسیاری از رعایای منطقه از ترس قشون ماکو فراری شده بودند.^۹ با پیگیری‌های هیئت مصلحه وضعیت روستاهای غارت‌شده این منطقه

۱. همان، س ۱، ش ۱۲۲ (۱۳ شعبان ۱۳۲۵)، ص ۴؛ کسروی، ص ۴۷۰.

۲. بشیری، ج ۱، ص ۹۴؛ انجمن تبریز، س ۱، ش ۱۳۹ (۱۵ رمضان ۱۳۲۵)، ص ۱-۲.

۳. شیخ‌الاسلام، ص ۱۷-۱۸.

۴. همان، ص ۲۶. چنانکه پیشتر اشاره شد، قشون اقبال السلطنه در روستاهای ماکو هم چنین رفتاری داشتند.

۵. هیچ نماینده رسمی از مشروطه‌خواهان ماکو در این مذاکرات حضور نداشت.

۶. روزنامه خورشید، س ۱، ش ۶۲ (۲۹ رمضان ۱۳۲۵)، ص ۱-۲.

۷. شیخ‌الاسلام، ص ۳۶.

۸. همان، ص ۶۵.

۹. همان، ص ۵۵.

بهبود نسبی یافت و در حضور آنان، وابستگان اقبال السلطنه کمتر متعرض روستاییان می‌شدند.^۱ همچنین با اهتمام آنان، دهقانان غارت‌شده بدون توجه به تهدیدات خوانین به نزد این هیئت می‌رفتند و میزان تلفات جانی و مالی واردشده به خود را گزارش می‌دادند.^۲ سرانجام طرفین مذاکره پس از ۲۵ روز گفت‌وگو در ۱۰ رمضان ۱۳۲۵ ق/ ۲۷ مهر ۱۲۸۶ ش به توافق رسیدند. بر این اساس دربارهٔ دهقانان و روستاییان مشروطه‌خواه ماکو هم تصمیماتی گرفته شد و مقرر گردید:

۱. دهقانان محبوس آزاد و در امنیت کامل به زندگی روزمره خود مشغول شوند.
۲. دهقانان فراری از ماکو که به شهرها و روستاهای اطراف رفته بودند، در انتخاب محل سکونت خود آزاد باشند و امنیت و آسایش آنان فراهم شود.^۳
۳. این هیئت دربارهٔ انجمن‌های شهری و روستایی در ماکو واپس‌گرایی داشت. آنها سه نفر از خوانین ماکو را که از اعضای هیئت مذاکره‌کننده بودند بنا به «پاره‌ای ملاحظات سیاسی و اقتصادی» به‌عنوان اعضای انتصابی انجمن ماکو برگزیدند و هیچ بحثی دربارهٔ انجمن‌های روستایی نکردند.
۴. خوانین اموالی را که به‌زور از دهقانان و روستاییان گرفته بودند به آنها مسترد نمایند.
۵. خوانین متعهد شدند خون‌پهای کشته‌شدگان رعایا را مطابق قانون شریعت به بازماندگان آنها پرداخت کنند.^۴
۶. روستاییان غارت‌شده هر میزان پول، بذر و گاو لازم داشتند خوانین ماکو در اختیار آنان قرار دهند و خسارت‌هایی که اکراد وارد آوردند جبران و مسترد نمایند.^۵

این مصالحه نویدی برای تأمین امنیت نسبی رعایای مشروطه‌خواه ماکو بود که بر اثر تعدیات اقبال السلطنه به زندان افتاده و یا از ماکو فرار کرده بودند. براساس این صلح‌نامه فعالیت‌های دهقانان مشروطه‌خواه که در قالب انجمن‌های روستایی تبلور می‌یافت، به پایان رسید و همهٔ این انجمن‌ها تعطیل شدند و سلطهٔ استبدادی خوانین ماکو دوباره در روستاها برقرار شد. این توافق نشان داد که نهادهای مشروطه در برابر ساختار دیرپای استبداد در ایران از قدرت و نفوذ لازم برخوردار نبودند. به‌رغم کشتارهای فراوانی که اقبال السلطنه در شهر و روستاهای ماکو مرتکب شد، هیچ خدش‌های به جایگاه بلامنازع او وارد نشد و او با تکیه بر ابزارهای سنتی قدرت، نفوذ و اقتدار خود را حفظ کرد و تسلط او بر ساختارهای سیاسی و

۱. همان، ص ۵۲.

۲. *حبل‌المتین*، س ۱، ش ۱۴۰ (۵ رمضان ۱۳۲۵)، ص ۲.

۳. *انجمن*، س ۲، ش ۱۰ (۲۹ رمضان ۱۳۲۵)، ص ۶.

۴. *انجمن*، س ۲، ش ۱۱ (۲ شوال ۱۳۲۵)، ص ۱-۲؛ *شیخ‌الاسلام*، ص ۵۲.

۵. *شیخ‌الاسلام*، ص ۴۷، ۵۱، ۵۵.

اقتصادی ماکو ادامه یافت. گویا مذاکره‌کنندگان برقراری امنیت و جلوگیری از هرج و مرج را بر آزادی و مشروطه‌خواهی ترجیح دادند. سند مکتوبی وجود ندارد که نشان دهد این توافقات در عمل اجرا شد یا نه؟ ولی روایات شفاهی روستاییان ماکو حاکی از آن است که رعایای برخی از روستاها برای جبران خسارتی که در دوره انقلاب به خوانین وارد شده بود، مجبور شدند سال‌ها برای آنها بیگاری کنند.

نتیجه‌گیری

ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش جنبش دهقانان ماکو را می‌توان از ابعاد و زوایای مختلف بررسی و تحلیل کرد. یکی از عوامل تأثیرگذار بر این ماجرا که در ریشه‌یابی این جنبش اهمیت دارد، وجود مناسبات ارباب-رعیتی ناعادلانه در ماکو بود. خوانین ماکو مالکیت تمام زمین‌های این ناحیه را با زور و تهدید و به روش‌های غیرقانونی به دست آورده بودند و با تکیه بر قدرت نظامی و سیاسی نامحدود خود، فشار مضاعفی را بر زارعان وارد می‌کردند و جان و مال و ناموس آنان را بازیچه امیال خود کرده بودند. این مسئله باعث ایجاد نارضایتی شدید در بین دهقانان ماکو شده بود. استفاده مشروطه‌خواهان آذربایجان از این شرایط به نفع جریان آزادی‌خواهی عامل اصلی شکل‌گیری این جنبش شد. مشروطه‌خواهان برای ایجاد پایگاه توده‌ای قدرتمند برای مشروطیت به تبلیغات گسترده‌ای در میان دهقانان ماکو دست زدند و با القای این اندیشه که مشروطیت به معنی پایان مناسبات ارباب-رعیتی است، جنبش وسیعی در میان آنان برپا نمودند که ابعاد آن تقریباً تمام روستاهای ماکو را دربرگرفت. تیغ تیز این حرکت علیه اقبال السلطنه و دیگر بنی‌اعمام مستبد وی بود که تمام روستاهای این منطقه را در تملک خود گرفته بودند. عامل دیگری که این جریان را شدت بخشید، شکاف موجود در میان خوانین ماکو و گرایش عزت‌الله‌خان به اندیشه مشروطه‌خواهی بود که با تأسیس انجمن در روستاهای ماکو جنبش دهقانان ماکو را به سمت مشروطه‌خواهی هدایت کرد.

پیامدهای جنبش دهقانان ماکو را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد. اول اینکه دهقانان ماکو با اخراج اربابان از روستاها جنبش را آغاز کردند و با تشکیل انجمن‌های روستایی موفق به تبعید حاکم منطقه به خارج از کشور شدند. این شرایط باعث شد زندگی روستاییان ماکو هرچند برای کوتاه‌مدت دچار تغییر اساسی گردد و آنان به دور از سلطه استبدادی خوانین زمیندار به صورت دهقان آزاد زندگی و در قالب انجمن‌های روستایی در نظام جدید مشروطیت نقش‌آفرینی کنند. دوم اینکه جنبش دهقانان ماکو با واکنش متفاوت مشروطه‌خواهان و مستبدین مواجه شد. برخلاف مشروطه‌خواهان آذربایجان که عامل این جنبش و طرفدار آن بودند، مجلس و دیگر مشروطه‌خواهان کشور با آنکه مخالف استبداد خوانین

ماکو بودند، اقدامات روستاییان ماکو را نیز خلاف قانون و عامل هرج و مرج و ناامنی می‌دانستند. اما مستبدین به صورت متحد در برابر این جنبش قرار گرفتند و تشریک مساعی آنها سبب سرکوب گسترده دهقانان ماکو شد. هرج و مرج و ناامنی کامل در روستاهای ماکو و برتری نظامی اقبال السلطنه، سرانجام، سبب سازش آزادی خواهان و مستبدین بر سر حوادث ماکو گردید. پایان دادن به کشتار روستاییان و تضمین امنیت آنان در برابر تعطیلی انجمن‌های روستایی از نتایج این سازش بود. با این مصالحه جنبش دهقانان ماکو پس از حدود سه ماه به پایان رسید.

کتابنامه

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ردیف ۲۹۳۰۰۴۱۹۴، محل در آرشیو ۲۶۸۰۸ ب الف ۱؛ شماره ردیف ۲۴۰۰۱۵۵۷۰، محل در آرشیو ۱۰ گ ۴ الف ۱: ۵-۴؛ ۲۹۶/۲۱۵۷۷، برگ ۱-۲؛ ۲۹۶/۲۱۶۸۵، برگ ۱؛ شماره ردیف ۲۹۳۰۰۲۴۸۴، محل در آرشیو ۴۳۰ ظ ۵ ب آ ۱: ۹-۳؛ شماره ردیف ۲۹۶۰۰۰۹۲، محل در آرشیو ۱۹۲ الف ۱ الف ز، برگ ۳؛ شماره ردیف ۲۹۳۰۰۳۰۴۴، محل در آرشیو ۲۴۶۳۵ ب الف ۱؛ شماره ردیف ۲۴۰۰۰۳۶۴۷، محل در آرشیو ۴۰۵ ج ۲ الف الف ۱.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن. صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران: روزبهان، ۱۳۵۷.

افتخاری بیات، حسینقلی. تاریخ ماکو، به کوشش حسین احمدی، تهران: شیرازه، ۱۳۸۱.

افشار، ایرج. خاطرات و اسناد مستشار الدوله صادق، چاپ اول، تهران: فردوسی، ۱۳۶۲.

امین‌الشرع خوبی، میرزا ابوالقاسم بن اسدالله. تاریخ حوی، نسخه خطی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره مسلسل ۸۵۳۰، بی‌تا.

انجمن، س ۱، ش ۹۸، جمادی‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۳۹، ۱۵ رمضان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۰۳، ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۲۴، ۱۶ رجب ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۴۷، ۲۸ شعبان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۱۲، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۴۷، ۲۸ شعبان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۷۰، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۸۶، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۷۳، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۶۰، ۱۳ صفر ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۶۳، ۲۲ صفر ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۷۴، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۶۵، ۲۹ صفر ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۷۷، ۷۸، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۷۶، ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۵.

ایروانی، محمدآقا. «تاریخ مشروطه ایران»، در دو رساله از انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش عبدالحسین زرین کوب و روزبه زرین کوب، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰.

بشیری، احمد. کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران)، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.

ترکمان، اسکندر بیگ. تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.

تقی‌زاده، حسن. زندگی طوفانی: خاطرات سید حسن تقی‌زاده، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس، ۱۳۷۹.

تهرانی کاتوزیان، محمدعلی. مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.

ثقه الاسلام تبریزی، علی. نامه‌های تبریز از ثقه الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت)، به کوشش ایرج افشار، تهران: فروزان روز، ۱۳۷۸.

جورابچی، محمدتقی. حرفی از هزاران کاندلر حکایت آمد (وقایع تبریز و رشت ۱۳۳۵-۱۳۳۶ هـ.ق)، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۳.

حبل المتین، س ۱، ش ۱۲۳، ۱۴ شعبان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۹۲، ۷ رجب ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۱۲، ۳۰ رجب ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۳۱، ۲۴ شعبان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۲۳، ۱۴ شعبان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۹۳، ۸ رجب ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۴۶، ۱۲ رمضان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۴۶، ۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۱۹، ۹ شعبان ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۶۳، ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۵۷، ۳ شوال ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۹۳، ۸ رجب ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۲۲، ۱۳ شعبان ۱۳۲۵. خورشید، س ۱، ش ۶۲، ۲۹ رمضان ۱۳۲۵.

دولت‌آبادی، یحیی. حیات یحیی، ج ۴، تهران: فردوسی، ۱۳۷۱.

رسول‌زاده، محمدامین. گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: شیرازه، ۱۳۹۵. سالور، قهرمان میرزا. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۵، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴. شریف کاشانی، محمدمهدی. وقایع اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

شیخ‌الاسلام، میرزا عبدالامیر. دو سند از انقلاب مشروطه ایران، تهران: توکا، ۲۵۳۶.

صبح صادق، س ۱، ش ۱۲۹، ۶ شعبان ۱۳۲۵.

ضرغام، شهریار. گزارش‌های تلگرافی آخرین سال‌های عصر ناصرالدین شاه، خبرهایی از خوی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۶۹. طاهرزاده بهزاد، کریم. قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، تهران: اقبال، ۱۳۳۳. عزیزالسلطان، غلامعلی خان. روزنامه خاطرات عزیزالسلطان: ملیجک ثانی، به کوشش محسن میرزایی، ج ۳ و ۴، تهران: زریاب، ۱۳۷۶.

فریاد، س ۱، ش ۴، ۲۲ صفر ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۸، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۶، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۷، ۱۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۵.

کرزن، جورج ناتانیل. ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحیدمانزدرانی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.

کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.

کلانتری باغمیشه، میرزا ابراهیم. روزنامه خاطرات شرف‌الدوله، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: فکر روز و کلبه، ۱۳۷۷. مجلس، س ۱، ش ۱۰۸، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۰۹، ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۱۵، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵؛ س ۱، ش ۱۳۰، ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵.

مجتهدی، مهدی. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، تهران: زرین، ۱۳۷۹.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، س ۱۳۰۰، کارتن ۸، پوشه سند ۴۵؛ س ۱۳۲۵، ق، کارتن ۵،

- پوشه ۴، سند ۴۲؛ س ۱۳۲۸ق، کارتن ۲۱، پوشه ۲۵، سند ۵.
مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من، ج ۳، تهران: زوار، ۱۳۹۸.
ملک‌زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲ و ۳، تهران: سخن، ۱۳۸۳.
مور، برینگتون. ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی: نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان نو، ترجمه حسین بشیریه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
نالۀ ملت، س ۱، ش ۱۷، ۲۵ شعبان ۱۳۲۶.
نصرت ماکویی، محمدرحیم. تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، قم: علمیه، ۱۳۷۳ق.
هدایت، مهدی‌قلی. خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۸۵.